

## آلترناتیو کمک اقتصادی چین در چارچوب تفاهم نامه نهائی برای شکستن

### محاصره اقتصادی کشورمان توسط آمریکا چیست؟

اوج گیری مهار ناپذیر قیمت ارز، تورم سواره، فروپاشی کامل اقتصادی، فقر و نابسامانی کنترل ناپذیر

و بدنبال آن شورش عمومی که می‌تواند دو شکل پیدا کند: سرکوب عظیم و کشتار، فروپاشی کشور .

برنامه آمریکا و اسرائیل و عربستان، کلیه وابستگان به آنها در خارج و داخل و تمام دستگاههای

ارتباط جمعی عظیم آنها همین است.

چرا می‌گوییم فروپاشی؟ و نه تغییر رژیم؟ چون تغییر رژیم به مقدمات و تمهیداتی نیاز دارد که در

حال حاضر مردم فاقد آنند. بدین معنا که اگر تغییر رژیم بخواهد در داخل و به دست توده های

مردم صورت گیرد نیاز به کار سیاسی درازمدت در میان مردم، سازماندهی و بوجود آوردن رهبریتی

مشروع و مقبول و قابل اعتماد مردم را دارد. حتی اگر تغییر رژیم بخواهد به دست اجنبی و کمک آن

صورت گیرد باز هم همین دشمن خارجی نیاز به آلترناتیو سازی دارد .

ملاحظه کنید جیسون رضائیان، خبرنگار واشنگتن پست که در ایران مدتی را در زندان گذراند و

آشکار است که فردی سیاسی است در مقاله اخیرش در واشنگتن پست مینویسد:

«سیاست ترامپ در قبال ایران شکست خورده زیرا بر ایجاد جایگزین رژیم استوار نبوده است.

وضعیت جمهوری اسلامی ایران در نتیجه تحریم های آمریکا حقیقتاً بد است. اما میوه این تحریم ها را

ظاهراً چین میخواهد بچیند. زیرا فشار حداکثری دولت آمریکا بر هیچ راهبردی برای ایجاد یک

جایگزین رژیم جمهوری اسلامی مبتنی نبوده است»

مفهوم ضمنی این مقاله واشنگتن پست دو چیز است: اول اینکه آلترناتیو هایی چون سلطنت طلبان،

مجاهدین، شورای گذار، و امثالهم آلترناتیوی نیستند و اشخاصی چون رضا پهلوی، مریم رجوی، محسن

سازگارا، و شهریار آهی، و حسن شریعتمداری مالی نیستند که برایشان سرمایه گذاری کرد و بر آنها

تکیه کرد. چرا که پایگاهی در داخل ندارند. در حالیکه آمریکا و انگلیس در سال ۱۳۳۲ آلترناتیو نمک

زده ای در رم داشتند که گرمیت روزولت تاج شاهی بر سرش گذاشت و همینطور در سال ۵۷

آلترناتیو نمک زده ای در نجف داشتند که در بهمن ۵۷ با سلام و صلوات او را به ایران بازگرداندند .

دوم اینکه اوباما بر خلاف دونالد ترامپ داشت در ایران آلترناتیو سازی می کرد و به همین دلیل هم با

ایران وارد مذاکره شد، یک امتیاز به ایران داد و آنهم اجازه ُ غنی سازی اورانیوم تا ۳/۶ در صد در

عوض عملاً تمام تأسیسات اتمی ایران را تعطیل، تحقیقات اتمی ایران را بشدت زیر نظر گرفت و

بشدت لطمه زد و ایران را بمدت طولانی زیر نظارت و جستجوی کم نظیر در جهان زیر نظر مامورین

سازمان انرژی اتمی جهانی قرار داد پدر عوض تنها تحریم های مربوط به مسئله اتمی را برداشت و

همین امتیاز کوچک موجب نه تنها جشن و پایکوبی جناح روحانی و اصلاح طلبان شد که اگر ادامه پیدا

میکرد می‌توانست طرفداران آمریکا (یا جناح آمریکایی رژیم) را به قدر رساند. این را می‌گویند

آلترناتیو سازی .

اما چرا این آلترناتیو سازی موفق نشد؟

تا زمانیکه ملت ایران و تمام طرفداران آمریکا دلیل شکست این آلترناتیو سازی ماهرانه مار هفت

خطی چون اوباما را نفهمند خطر جدی از سر کشور ما برداشته نخواهد شد.

دلیل شکست آلترناتیو سازی و قدرت گیری جناح آمریکایی رژیم چه بود و چه هست؟

دلیلش اینست که صهیونیست های قدرتمند آمریکا و دولت اسرائیل با همدستی و رضایت عربستان

و امارات هدفشان پیاده کردن برنامه اسراییل طبق نقشه یمن است. اگر به نقشه این طراح و

روزنامه نگار اسراییلی، یمن نگاه کنیم، ملاحظه میکنیم که پیاده کردن این نقشه مستلزم تکه پاره

شدن و تجزیه لبنان، سوریه، عراق، ترکیه، عربستان و ایران است .

صهیونیست های آمریکا، اروپا و اسرائیل به ویژه تحمل وجود ایرانی یکپارچه، مستقل و قدرتمند را

ندارند. جناح آمریکایی رژیم باید بداند که همین صهیونیست ها با چنین برنامه نابودگری ای نه تنها

بر وال استریت، وزارت خزانه‌داری آمریکا و بانک فدرال و در نتیجه بر بخش مالی اقتصاد آمریکا

تسلط کامل دارند و با تسلط بر ده ها اتاق فکری تقریباً به تمام دستگاههای ارتباط جمعی از روزنامه ها

و مجلات گرفته، تا رادیو ها و تلویزیون ها، تا کلیسا های ایوانجلیست و دانشگاه ها و غیره تعیین

کننده سیاست خارجی و به ویژه سیاست های خاورمیانه ای آمریکا هستند.

کمک های عظیم شلدون ادلسون، میلیاردر معروف و قمارخانه دار صهیونیست برای انتخاب دونالد

ترامپ و قول ترامپ به او در بر هم زدن و بیرون آمدن از برجام تنها نمونه ای از خروار نفوذ و

قدرت عظیم صهیونیست هایی از جنس شلدون ادلسون در آمریکاست که او بطور علنی طرفداری و

خواست خود را مبنی بر بمباران اتمی ایران بیان کرده است.

هستند کسانی که چنین سیاست های ضد ایرانی را به حزب جمهوریخواه و شخص دونالد ترامپ نسبت

میدهند و در انتظار آنند که در ماه نوامبر آقای جو بایدن و حزب دموکرات به قدرت برسند. این گروه

معتقدند در صورت به قدرت رسیدن جو بایدن و حزب دموکرات سیاست دولت آمریکا در قبال

ایران تغییر کرده و آمریکا دوباره به برجام برگشته و تحریم ها برداشته خواهد شد. غافل از آنکه جو

بایدن با اوباما فرق دارد. وابستگی و تمکین جو بایدن به اسراییل و صهیونیست ها دست کمی از

ترامپ ندارد و او کسی است که علناً خود را یک صهیونیست میداند. برای اطمینان خاطر آنهایی که

به آمدن جو بایدن به کاخ سفید و گشایشی در کارشان امید بسته اند باید یادآور شد که دو نفر از

مشاورین اصلی او – که به احتمال زیاد یکی از آنها وزیر خارجه اش خواهد بود، یعنی جیک سولیوان و

دیگری آنتونی بلینکن، هر دو نفر شان در مورد برجام علناً اظهار داشته اند و آن اینکه: تحریم ها

برداشته نخواهد شد مگر اینکه ایران نه تنها به تمام خواست‌های برجام برگردد بلکه قرارداد

درازمدت‌تر و عمیق‌تری را بپذیرد و در این راه آمریکا اسماً به برجام برخواهد گشت و متحدین

اروپایی‌اش را با خود همراه کرده و از آن بعنوان سکویی برای تحمیل خواست‌های تازه‌ای که بسیار

شبيه خواستها و شروط دوازده گانه پامپئوست استفاده و فشار بر ایران را مضاعف خواهد کرد. از

این جهت و اگر چنین سیاستی را پیش بگیرند از سیاست ترامپ که موجب اختلاف با اروپا و دیگر

کشورها شده خطرناکتر است.

میدانیم که دولت روحانی و هم‌خامنه‌ای کشته‌مرده مذاکره با آمریکا هستند. این سیاست «از تو به

یک اشاره، از ما به سر دویدن» از ابتدای قدرت‌گیری خمینی وجود داشته که آن خود داستان

مفصلی است که خود دستکم نیاز به یک یا دو جلسه کامل دارد. منتهی خامنه‌ای خوب می‌داند که

شرایطی را که آمریکا پیش پای او گذاشته طوری است که نه قابل قبول برای دولت و حکومت ایران

می‌تواند باشد و نه اگر همه پرسشی‌ای شود برای اکثریت مردم ایران قابل قبول خواهد بود، مگر

اقلیتی کوچک که حاضرند از سربازان و افسران آمریکایی در منزل‌هایشان پذیرایی کنند. شرایط

۱۲ گانه پامپئو باید وسیعاً چاپ و بین مردم پخش شود تا مردم بدانند که آنهايي حاضر به پذیرش

این شرایط هستند کاملاً حاضرند از سربازان یا مستشاران آمریکایی در منزلشان پذیرایی کنند تا آنها

ایران را به ویرانه ای همچون عراق و افغانستان ولیبی تبدیل کنند چنین افراد و نیرو هایی که حاضر به پذیرایی هستند لازم است شناخته شوند.

حالا با این مقدمه باید پرسید چگونه است که دولت روحانی، دولتی که در پیروی از احکام بانک جهانی

و صندوق بین المللی پول وفادار تر از دولت های پیشین به قیمت به قعر کشاندن بخش عظیمی از

مردم این قوانین را پیاده کرده چگونه است که تن به امضای تفاهم نامه ای با دولت چین داده است؟

1- آیا میخواهد به آمریکا نشان دهد که آلترناتیو دیگری دارد تا شاید آمریکا امتیازاتی بدهد و

دوباره چین را کنار زده و با آمریکا وارد مذاکره شود؟

۲- یا برآستی احساس خطر کرده و فکر میکند اگر اوضاع به این احوال بماند نه از تاک و نه از تاک

نشان اثری میماند.